

Illustrating the Sources of the Holy Defense Oral History Using the Writing Skills of the Editor

Zohra Alavirad

MA in Political Science, Editor of the Field of Oral History, and Researcher of the Resistance Oral History Research Group

Abstract: Oral history is one of the formats and methods that nowadays have been successful in transmitting historical information. But oral history books are popular with the general audience when they have literary and artistic aspects and are narrated in a fictional way. Of course, this does not mean the inclusion of the element of imagination. This article seeks to answer the question, what role do the editor's writing skills play in illustrating the sources of the Holy Defense oral history? How can you create an attractive, lasting, and documentary work in this way? The research method is analytical-descriptive, and for writing this article, library sources, the author's experience in compiling the oral history book, as well as the review of fiction literature in the field of oral history have been used. By writing skills, we mean great writing skills in order to illustrate the sources of oral history. The result of the research is that describing the details, visualization, and image of the environment and conditions, as well as turning the content of the photos into text, is one of the writing skills to illustrate the sources of the Holy Defense oral history and related fields.

Key Words: Oral History, Editor, Narration, Writing Skills.

گویاسازی منابع تاریخ شفاهی دفاع مقدس با کاربست مهارت‌های نویسندگی تدوین‌گر^۱

زهره علوی‌راد*

کارشناس ارشد علوم سیاسی، تدوین‌گر حوزه‌ی تاریخ شفاهی و پژوهشگر گروه پژوهشی تاریخ شفاهی مقاومت گرا

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۲۳

چکیده

تاریخ شفاهی یکی از قالب‌ها و روش‌هایی است که امروزه برای انتقال اطلاعات تاریخی با اقبال روبه‌رو شده است؛ اما کتاب‌های تاریخ شفاهی، زمانی با اقبال مخاطب عام روبه‌رو می‌شوند که دارای جنبه ادبی و هنری نیز باشند و به شیوه‌ای داستانی روایت شوند؛ البته این امر به معنای ورود عنصر تخیل نیست. این مقاله در پی پاسخ‌دادن به این سؤال است که مهارت‌های نویسندگی تدوین‌گر، چه نقشی در گویاسازی منابع تاریخ شفاهی دفاع مقدس دارد. چگونه از این طریق می‌توان یک اثر جذاب، ماندگار و مستند ایجاد کرد. روش پژوهش تحلیلی توصیفی است و برای نگارش این مقاله از منابع کتابخانه‌ای، تجربه نگارنده در تدوین کتاب تاریخ شفاهی و نیز بررسی ادبیات داستانی در حوزه تاریخ شفاهی استفاده شده است. منظور از مهارت‌های نویسندگی، دارا بودن قلم توانا در جهت گویاسازی منابع تاریخ شفاهی است. نتیجه پژوهش آن است که توصیف جزئیات، تجسم و تصویر محیط و شرایط و نیز به متن تبدیل کردن محتوای عکس‌ها از مهارت‌های نویسندگی برای گویاسازی منابع تاریخ شفاهی دفاع مقدس و حوزه‌های مرتبط است.

واژه‌های کلیدی: تاریخ شفاهی، تدوین‌گر، گویاسازی، مهارت‌های نویسندگی.

* Corresponding Author: Zohra Alavirad

E-mail address: z.alavirad67@gmail.com

Copyright2022@Documents and National Library of the Islamic Republic of Iran. All rights reserved

۱. این پژوهش با حمایت گروه پژوهشی تاریخ شفاهی مقاومت «گرا» انجام شده است.

مقدمه

بیشتری داشته یا در راستای موضوع مدنظر ما بوده است، انتخاب و بررسی شده‌اند.

تدوین یکی از موضوعاتی است که اگرچه کمتر از سایر موضوعات تاریخ شفاهی، اما پژوهشگران این حوزه به آن توجه داشته‌اند. در مقالات و آثاری که به‌نحوی به این موضوع پرداخته‌اند، نگرش‌ها و نظرات متنوعی بیان شده است؛ برای مثال، نویسندگان مجموعه مقالات تدوین در تاریخ شفاهی، به این مباحث اشاره داشته‌اند و تبیین کرده‌اند: ارتباط پیوسته و مؤثر تدوین و مصاحبه (تدوین ذهنی و تدوین کتبی)، نقد آمیختگی تخیل با تاریخ در برخی آثار تاریخ شفاهی دفاع مقدس و اهمیت حفظ لحن راوی در ویرایش متن و تاریخ شفاهی.

در مقاله «تدوین به‌مثابه ساخت در تاریخ شفاهی» نیز به مسئله تخیل به‌عنوان عنصری ادبی در تدوین تاریخ شفاهی و نیز به انواع تدوین اشاره شده است. مقاله «راهکارهایی برای تدوین» با آوردن مثال برای هر راهکار تدوین، مانند یک دستورالعمل راهنما برای تدوینگران نوشته شده است. علیرضا کمره‌ای از فعالان صاحب‌نام حوزه تاریخ شفاهی مقاومت در ایران نیز در مقاله «نگاهی به مبادی تدوین در تاریخ شفاهی» بر اهمیت دقت در تدوین تاریخ شفاهی تأکید می‌کند. «بایدها و نبایدهای تدوین» نوشته ابوالفتح مؤمن بر دو موضوع محوری (رویکرد تاریخ‌نگار به داده‌های تاریخ شفاهی) و (ابزار و معیارهای تدوین) متمرکز شده است.

چنانکه بیان شد در بخش درخور توجهی از پیشینه ذکر شده، اشاره‌ای به مهارت‌های نویسندگی تدوین‌گر نشده است. همچنین، در یک دید کلی، اساساً نگاه مثبتی به این مقوله و واردکردن جنبه‌های ادبی در تدوین تاریخ شفاهی وجود ندارد. پژوهشگران، این کار را مخل سندیت و استناد دقیق متن می‌دانند. در بررسی جایگاه مهارت‌های نویسندگی تدوین‌گر در روند گویاسازی منابع تاریخ شفاهی و ایجاد جذابیت در متن، به دو دغدغه توجه شده است: رعایت امانت در انتقال محتوا از طریق گویاسازی و جذب مخاطب در عین حفظ ویژگی تاریخی و مستندبودن.

آگاهی از گذشته و وقایع تاریخ، سرمایه ارزشمندی برای حال و آینده است؛ اما داده‌های تاریخی و مواد خام به‌دست‌آمده از مصاحبه‌های تاریخ شفاهی، اگر برای عموم جامعه خواندنی و جذاب نباشند، در آرشیوها، کتابخانه‌ها و کتابفروشی‌ها باقی می‌مانند و به‌ندرت استفاده می‌شوند. با توجه به اهمیت این داده‌ها و اطلاعات برای نسل آینده، این امر مطلوب پژوهشگران نخواهد بود. به‌علاوه آنکه امروزه فضای مجازی، نوعی آشفتنگی اطلاعاتی ایجاد کرده و در موارد بسیاری، اطلاعات غلط را به‌نحو گسترده و سریع، در اختیار عموم افراد جامعه قرار داده است. مخاطب این اطلاعات، با وجود خصلت شتاب در انتشار اطلاعات فضای مجازی، فرصتی برای صحت‌سنجی این مطالب ندارد و بدون گذراندن این مرحله و با پذیرش آن، سراغ خواندن مطلب بعدی می‌رود. همچنین، مستندها و کتاب‌های تاریخی منتشر شده، در مواردی، مغرضانه یا به اشتباه، داده‌های غلط و تحلیل‌های نادرست و جهت‌گیرانه‌ای را منتشر می‌کنند. این مسئله در تاریخ شفاهی دفاع مقدس، به دلیل ارائه اطلاعات درباره یکی از مقاطع بحرانی و سرنوشت‌ساز تاریخ ایران، حساسیت و اهمیت ویژه‌ای دارد. شهادت یا فوت رزمندگان و نیز تولید شدن برخی تولیدات تاریخی نادرست و سوگیرانه سبب خواهد شد نسل آینده نتواند قضاوت نزدیک به واقعیت درباره جنگ ایران و عراق داشته باشند. نمونه‌ای از این امر، تحلیل‌های نادرست درباره فریب‌بودن عملیات کربلای ۴ است که برای خانواده شهدا و جانبازان این عملیات، حساسیت‌های بسیاری را برانگیخت. مجموعه این عوامل سبب می‌شود به ضرورت ارائه خروجی جذاب و خوش‌خوان از داده‌های حاصل‌آمده از مصاحبه‌های تاریخ شفاهی پی برده شود. هدف این پژوهش، بررسی جایگاه مهارت‌های نویسندگی تدوین‌گر در روند گویاسازی منابع تاریخ شفاهی و ایجاد جذابیت در متن مدون‌شده برای مخاطب است. درخور ذکر است حوزه تاریخ شفاهی و گونه داستانی آن بسیار گسترده است. این مقاله ادعا ندارد بررسی همه‌جانبه‌ای نسبت به این آثار انجام داده است. در این نوشتار، صرفاً بخشی از کتاب‌های این حوزه که نگارنده نسبت به آنها شناخت

تاریخ شفاهی

تاریخ شفاهی از جمله مفاهیمی است که تعاریف گوناگون و گاه متضادی از آن ارائه می‌شود که به بخشی از این موارد اشاره می‌شود. یکی از ابعاد مهم در تعریف تاریخ شفاهی نسبت آن با دانش تاریخ است. در این زمینه، نظریه‌پردازان معتقدند «تاریخ شفاهی نه گونه‌ای مستقل از تاریخ و نه حتی آنگونه که برخی پنداشته‌اند، شیوه‌ای از تاریخ‌نگاری است. تاریخ شفاهی را باید روشی علمی، قانونمند و برخوردار از اصول نظری و عملی برای گردآوری شواهد و مدارک شفاهی دانست که پس از راستی‌آزمایی و تأیید و تکمیل یا تصحیح آن مدارک به وسیله منابع دیگر، به‌ویژه اسناد مکتوب، به تولید سند شفاهی یاری می‌رساند» (نورایی، دهقان‌نیری و ترقی، ۱۳۸۹: ۴۳-۴۲)؛ این در حالی است که برخی صرفاً بر ابعاد عملگرایانه از تاریخ شفاهی تأکید دارند. «در تعریفی کاربردی، تاریخ شفاهی روش و شیوه‌ای است که با استفاده از ابزاری چون ضبط صوت و دوربین فیلمبرداری، صوت و تصویر خاطرات، مشاهدات و شنیده‌های عاملان شامل هدایتگران، مجریان و نقش‌آفرینان یا شاهدان و حاضران یک صحنه، رویداد، واقعه و پدیده تاریخی، در مصاحبه‌ای خلاق و فعال، ضبط و ثبت می‌شود» (کاظمی و خسرویگی، ۱۳۹۵: ۹). بر همین اساس، امروز طیف گوناگونی به این عرصه توجه کرده‌اند. از این میان می‌توان به تاریخ‌نگاران، گروه‌های پژوهشی و حتی فعالان عرصه ادبی و فرهنگی اشاره کرد. در کنار نظریه‌پردازی و کارهای تحقیقاتی، بخشی از بدنه فرهنگی جامعه نیز به دلیل تعلق خاطر به حوزه‌هایی همچون انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، پا به عرصه تاریخ شفاهی گذاشته‌اند. شاهد آن، کارگاه‌های متعدد و روزافزون آموزش تاریخ شفاهی به عامه مردم علاقمند است که نهادها و مراکز دولتی و خصوصی برگزار می‌کنند. یکی از دلایل مهم این اقبال و توجه، نگرانی نسبت به از دست رفتن و درگذشت شاهدان عینی سال‌های انقلاب و جنگ ایران و عراق است. همچنین، بیم فراموش شدن خاطرات مربوطه به دلیل کهنولت سن صاحبان آنها نیز این جریان را ایجاد کرده است.

مراحل پروژه تاریخ شفاهی

در یک نگاه اجمالی، پروژه تاریخ شفاهی، مراحل زیر را دنبال می‌کند:

۱. طراحی پروژه شامل مشخص کردن اهداف، تعیین مصاحبه‌شونده و مصاحبه‌کننده، محل مصاحبه، تجهیزات، تعیین هزینه‌ها، مشخص کردن محصول نهایی و ...؛
۲. تحقیق مقدماتی به معنی کسب اطلاعات اولیه درباره مصاحبه‌شونده و موضوع مصاحبه؛
۳. طراحی سؤالات؛
۴. انجام مصاحبه؛
۵. پیاده‌کردن متن گفتگو (جون هانر و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۸۵-۱۷۴).

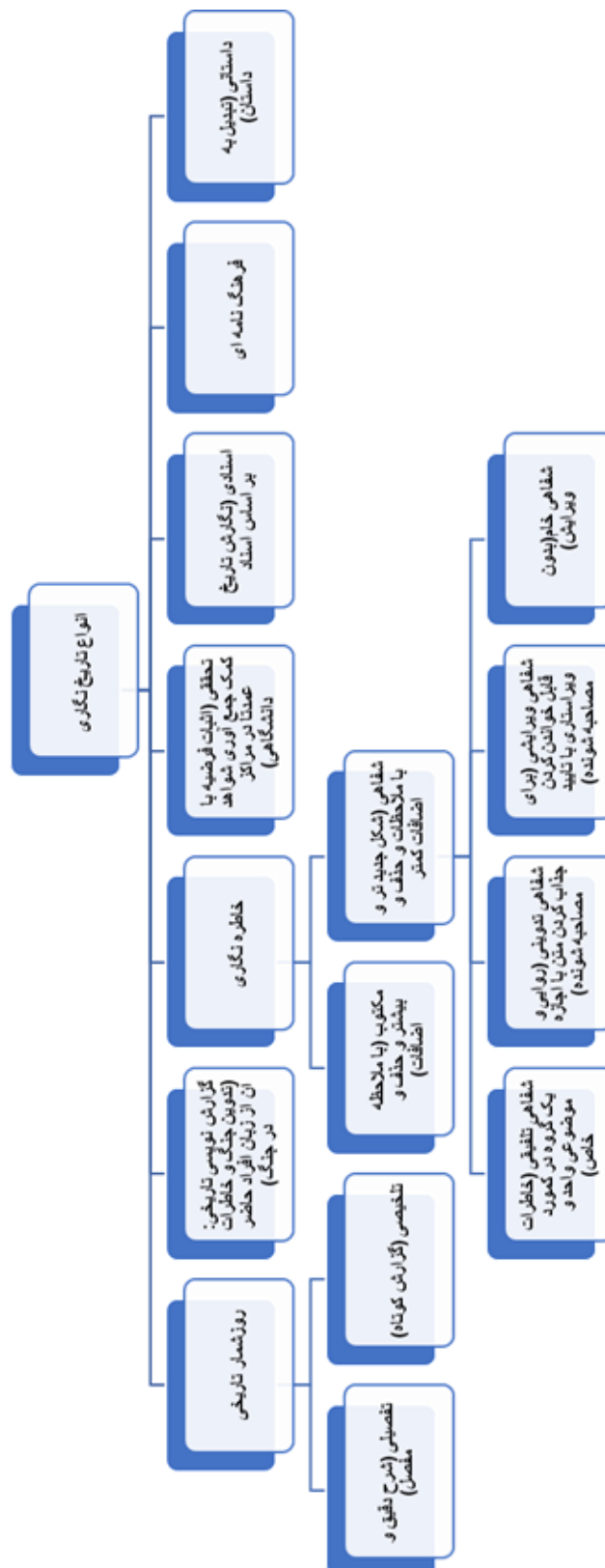
البته باید اشاره کرد بنا به شرح وظایف، دغدغه‌ها و اهداف خاص هر مرکز، بعضی از مراکز تاریخ شفاهی‌نگاری، بر جمع‌آوری آرشیو صوتی و تصویری مصاحبه‌ها تمرکز می‌کنند؛ بدین معنی که خروجی کار آنها به صورت صوت و فیلم ارائه می‌شود. استدلال این دسته، رعایت هرچه بیشتر استناد منابع از راه حفظ خلوص و دست‌نبردن در منابع تاریخ شفاهی است. عده‌ای دیگر از مراکز برای استفاده آسان‌تر پژوهشگران و علاقمندان، اقدام به پیاده‌سازی صوت گفتگوها و مصاحبه‌ها می‌کنند. در این روش، به تعداد منابع افزوده می‌شود؛ زیرا در کنار فیلم و صوت، متن هم به‌عنوان خروجی ارائه می‌شود. همچنین، با ویرایش گفتگو، متن یکدست‌تر و روان‌تری در اختیار مخاطب قرار می‌گیرد؛ اما عده دیگری از مراکز، به پیاده‌سازی و سپس ویرایش متن اکتفا نمی‌کنند؛ بلکه با استفاده از ظرفیت نویسندگان و مهارت‌های نویسندگی آنان، دست به آفرینش متنی روایی و داستانی با استفاده از منابع تاریخ شفاهی می‌زنند.

گونه داستانی تاریخ شفاهی

صرف نظر از نقد و نظرها درباره هریک از روش‌ها و خروجی‌ها در تاریخ شفاهی، در این مقاله بر تدوین به شکل روایی و داستانی با استفاده از منابع تاریخ شفاهی تمرکز شده است؛ قالبی که آماج بیشترین انتقادات از سوی مورخان قرار گرفته است. در این مجال، هدف ما شرح مبسوط یا پاسخ‌دادن

بهزاد قاسمی فرد و همکارانش در صفحات ۱۸۸-۱۸۶ مقاله «تاریخ‌نگاری معاصر و تاریخ شفاهی: چارچوبی برای تدوین و نگارش تاریخ دفاع مقدس» به این نکته اشاره کرده‌اند.

به این نقد و بررسی‌ها نیست. فقط برای تبیین بحث، عنوان می‌شود که امروزه گونه داستانی، با تدابیر خاصی که نویسندگان و مراکز فعال در این حوزه اندیشیده‌اند، در زمره تاریخ شفاهی قرار دارد. چنانکه در شکل زیر مشاهده می‌کنید



در مقاله نامبرده، تاریخ‌نگاری داستانی و خاطره‌نگاری شفاهی تدوینی هم بیان شده است. در بین سایر انواع دسته‌بندی شده در این مقاله، این دو نوع از تاریخ‌نگاری شفاهی به موضوع مدنظر ما نزدیک است؛ به همین دلیل، در ادامه به بیان تعریف ارائه‌شده از این دو نوع خروجی تاریخ شفاهی پرداخته می‌شود.

در خاطره‌نگاری شفاهی تدوینی، یک نفر حادثه یا واقعه تاریخی را توضیح می‌دهد و ضمن توضیح و بیان آن، این اجازه را به فرد یا گروهی می‌دهد که خاطراتش را آنگونه که خود می‌خواهد یا می‌پسندد، تدوین و برخی نقاط ضعف یا امنیتی و ... را از آن حذف کند، یا چیزی بر آن بیافزاید تا کتاب حالت روایی پیدا کند و جاذبه و شیرینی تاریخ را به همراه داشته باشد (قاسمی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۸۷).

خاطره‌نگاری داستانی، از زبان مردم، جنگ را به روایت داستان نقل کرده است که در این زمینه کتاب‌های متعددی چاپ شده‌اند (قاسمی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۸۸). به عبارت دیگر، این دو گونه از تاریخ شفاهی، ابزار ادبیات را به کار گرفته‌اند و مفاهیم و وقایع تاریخی را به‌نحو جذاب و هنرمندانه‌ای به مخاطب، به‌ویژه مخاطب عام، عرضه می‌کنند.

شایان ذکر است در سایر منابع، اصطلاحات متنوعی برای اشاره به کتاب‌هایی در حوزه تاریخ شفاهی با قالب داستانی بیان شده است؛ اصطلاحات و تعابیری مانند شیوه روایت خاطرات، سرگذشت‌های داستانی، شیوه داستانی و رمان، مستند داستانی و ... با وجود عدم اجماع نظری برای استفاده از یک اصطلاح خاص در این مورد، در این مقاله از عبارت «گونه داستانی» استفاده می‌شود.

گویاسازی

سید قاسم یاحسینی در مقاله «گویاسازی منابع تاریخ شفاهی»، این اصطلاح را اینگونه تعریف می‌کند: گویاسازی در خاطرات شفاهی به این معنا است که تدوین‌گر درباره اشخاص، مکان‌ها، مفاهیم، اصطلاحات، جریان‌های سیاسی و فرهنگی و ... در پاورقی یا ضمیمه خاطرات، مطالبی مستند برای بهتر فهمیدن متن و گویاتر کردن آن بیفزاید (تاریخ شفاهی، ۱۳۹۰/۱۱/۱۳). سید ولی هاشمی، نویسنده کتاب‌های دفاع مقدس نیز این تعریف را از گویاسازی ارائه کرده است: گویاسازی تاریخ شفاهی، مطالب مستندی است که تدوین‌گر با استفاده از تحقیق و بهره‌گیری از منابع معتبر درباره اشخاص، مکان‌ها، مفاهیم و اصطلاحات، با هدف رفع ابهام از متن فراهم می‌کند و اطلاعات بیشتری به خواننده می‌دهد (تاریخ شفاهی، ۱۳۹۷/۲/۲۶). به عبارتی دیگر، گویاسازی یعنی تبیین و شفاف‌سازی آن بخشی از منابع تاریخ شفاهی که ممکن است برای مخاطب گنگ و نامفهوم باشد. این ابهام می‌تواند سبب شود رشته معنایی متن تاریخ شفاهی از دست

منابع تاریخ شفاهی

چنانکه در تعریف تاریخ شفاهی گفته شد، در اینجا ما با فرآیند گفتگو و مصاحبه سروکار داریم. به تناسب همین امر، تاریخ شفاهی هر منبعی است که در جریان ضبط مصاحبه و گفتگو تولید می‌شود (اعم از صدا و تصویر) با حیثیت سندی و واجد اطلاعات تاریخی. منابع تاریخ شفاهی می‌توانند شامل گفتگوی تاریخ شفاهی (کاست‌های صوتی و تصویری و منابع رقمی یا فایل‌های رقمی) یا منابع مرتبط با جلسه مصاحبه

مفرد تدوین می‌کند و اگر هم نیازی به اطلاعات اضافی باشد، از قول راوی در متن خاطرات می‌آورد. این شیوه کسانی است که بیشتر خوش دارند خاطرات شفاهی را به داستان و حتی رمان نزدیک کنند. طرفداران این سبک مدعی هستند که خاطره از جنس ادبیات است و نیازی نیست تدوینگر خودش با هویت مستقل، چیزی به متن بیفزاید. هرچه افزودنی است، باید از قول راوی در خود متن اعمال شود (تاریخ شفاهی، ۱۳۹۰/۱۱/۱۳).

چنانکه در این تعریف دیده شد باوجود مخالفت‌هایی که ممکن است در این زمینه وجود داشته باشد، یکی از گونه‌های گویاسازی، «درج اطلاعات لازم در لابلای متن» است. درباره کارکردهای گویاسازی منابع تاریخ شفاهی گفته شده است که اماکن، اشخاص و مفاهیم را معرفی می‌کند، موضوع را درست معرفی می‌کند و نشان می‌دهد کار مؤلف براساس تحقیق است و فقط شامل پیاده‌سازی مصاحبه نمی‌شود و در آخر به قدرت علمی کتاب و غنای مطلب می‌افزاید (تاریخ شفاهی، ۱۳۹۷/۲/۲۶).

تدوین و تدوین‌گر

پس از طراحی پروژه و انجام مصاحبه، نوبت به مرحله‌ای می‌رسد که منابع دیداری و شنیداری به متن تبدیل شوند. علیرضا کمره‌ای، تعریف زیر را از تدوین ارائه می‌دهد:

تدوین یعنی ریختن گفت‌وگو در سازه و کالبد و پیکره متن، با در نظر داشتن زبان و سیاق روایت. کسی که کار تدوین انجام می‌دهد، باید به مصاحبه‌شونده و نیز به مخاطب توجه بکند، باید تلفیق این دو را فراهم کند تا بتواند متنی مناسب مدون سازد. در تدوین باید کارهایی صورت پذیرد که متن را خوانش‌پذیر کند؛ البته باید ساز و ساختاری در تدوین طراحی شود که معنای ثانوی بر متن بار نکند (طالبی، حاجی‌زاده و مشهدی، ۱۳۹۷).

به گفته آقای کمره‌ای، برای تدوین، برابر واژه سراسر است و مورد اجماع در زبان فارسی وجود ندارد؛ به همین دلیل، روی جلد و داخل شناسنامه کتاب‌ها از واژه‌هایی چون به کوشش، به اهتمام، پژوهش و نگارش، گفت‌وگو و تدوین، بازآفرینی و تدوین، گردآوری و تنظیم، تدوین و تنظیم، تحقیق و تدوین،

او در برود؛ برای مثال، ممکن است مصاحبه‌شونده، در میان صحبت‌هایش از مکان یا شخصی نام ببرد که فقط عده خاصی با آن آشنا باشند. در این صورت، تدوین‌گر باید به نحوی معنای آن را مشخص کند.

در نوشتار حاضر علاوه بر این تعریف، منظور از گویاسازی، مفهومی فراتر نیز هست؛ به این معنی که گاه مصاحبه‌شونده، اطلاعات کافی درباره حادثه تاریخی بیان نمی‌کند. این امر به دلیل گذشت زمان، برخی ملاحظات سیاسی و اجتماعی، عدم تمایل طرح مسائل خصوصی و ... رخ می‌دهد. در مواردی نیز که مصاحبه‌کننده، فردی متفاوت با تدوین‌گر است، گاهی همه اطلاعات لازم برای تدوین به دست نیامده است؛ در نتیجه، نویسنده در تدوین متن، با ناگفته‌ها و ابهام‌هایی روبه‌رو است. در بعضی موارد، رفع این ابهام‌ها به دلیل عجله کارفرما برای به ثمر رسیدن پروژه یا در دسترس نبودن مصاحبه‌شونده با مصاحبه‌های تکمیلی هم برطرف نمی‌شود. اینجاست که دوباره و در معنایی وسیع‌تر، عمل «گویاسازی» باید صورت بگیرد. به بیان روشن‌تر، «گویاسازی» هرگونه توضیح و تبیین در قالب پاورقی، ضمیمه و حتی توضیحات داخل متن است که به روشن کردن معنای اسامی، مکان‌ها و وقایع تاریخی می‌پردازد. گویاسازی همچنین ابهام‌ها و نکات مغفول مصاحبه‌ها را تکمیل می‌کند و از این طریق، متن را برای مخاطب روشن و شفاف می‌سازد. هنگامی که یاحسینی در مقاله خود، رویکردهای مختلف گویاسازی را بیان می‌کند، به نحوی بر این تعریف صحنه می‌گذارد. به‌طور خلاصه او به سه رویکرد تفصیلی (ارائه تعریف برای همه مکان‌ها، اشخاص، وقایع تاریخی و ... به‌طور مفصل به نحوی که گاه حتی یک سوم متن به این پاورقی‌ها و ضمیمه‌ها اختصاص دارد)، اجمالی (ارائه تعریف مختصر در حد نهایتاً یک پاراگراف به نحوی که به جدابیت متن لطمه نزند و تدوینگر خودش را به متن سخنان راوی تحمیل نکند) و شیوه روایی محض تقسیم می‌کند (تاریخ شفاهی، ۱۳۹۰/۱۱/۱۳).

در این مقاله، با نوع سوم از رویکرد گویاسازی سروکار داریم.

سومین سبک تدوین، چنان است که تدوین‌کننده خاطرات شفاهی، خاطرات را براساس یک روایت بلند اول شخص

تدوین و نگارش و ... استفاده شده است. آنچه از معنای کلی این واژه‌ها بر می‌آید، یعنی «فراهمسازی و ساماندهی متن در قالب نوشتار» می‌تواند بیان‌کننده چستی مفهوم تدوین باشد (کمرهای، ۱۳۹۵: ۶). چنانچه از برابرواژه‌های استفاده‌شده برای کلمه تدوین برمی‌آید، مرحله تدوین را شامل اقدامات متعددی از پژوهش گرفته تا مصاحبه و سپس نگارش دانسته‌اند. گاهی تدوین، معنایی حداقلی در حد پیاده‌سازی صرف و درنهایت، ویرایش برای روانخوانی متن دارد؛ اما گاهی از این هم فراتر می‌رود. در اینجا تدوینگر، وظایف بیشتری مانند طراحی پروژه، مصاحبه، پژوهش‌های تکمیلی و به رشته قلم درآوردن همراه با به کار بردن مهارت‌های نویسندگی هم دارد؛ البته لزوماً یک تدوینگر، تمامی این امور را برعهده نمی‌گیرد. گاه تدوینگر فقط یکی و گاه دو یا چند عملکرد از موارد یادشده را انجام می‌دهد. در حال حاضر، بیشتر مراکز فعال در حوزه تاریخ شفاهی، به سمت تک‌خاطره‌گویی و خاطره‌نویسی به سبک روایی و داستانی سوق پیدا کرده‌اند (توکلی، ۱۳۹۵: ۱۹).

عوامل متعددی در تدوین مؤثرند؛ عامل‌هایی مانند سیاست‌های مرکز در مصاحبه و چاپ، میزان سواد ویرایشگران و ارتباط آنها با موضوع، ارتباط مصاحبه‌گر با مصاحبه‌شونده، تعامل تدوین‌گر با موضوع و چگونگی پیوند آن با مصاحبه‌شونده و زمینه‌سازی تاریخی. معمولاً بهترین تدوین‌ها دربرگیرنده ویژگی‌هایی مانند فهم‌پذیر بودن، شخصیت‌سازی و برجسته‌سازی، چگونگی قرارگرفتن مصاحبه‌شونده در متن، ارتباط مناسب بین گفتار و نوشتار، پیشنهادها و دیدگاه‌های جدید، تصویرسازی و روشن‌سازی و پرهیز از قضاوت و نفی و اثبات، ایجاد تعادل بین صدای راوی و صدای تدوینگر و چالشی بودن است. بهترین کارهای تدوینی، ارائه تاریخ شفاهی از طریق تئوری و در صورت لزوم تجزیه و تحلیل آن و پرهیز از یکسنگری است و ضمن احترام به ماهیت تاریخی مصاحبه سعی می‌کند تا محتوایی قابل خواندن عرضه کند (حسن‌آبادی، ۱۳۹۶: ۱۵-۱۴).

همچنین، در هنگام تدوین با زمان‌های مختلفی روبه‌رو هستیم؛ زمان رخداد واقعه که راوی در آن فضا روایت می‌کند، زمان انجام مصاحبه که مصاحبه‌شونده سؤال طرح

می‌کند و می‌پرسد و زمان تدوین که تدوینگر با توجه به علایق و سلیقه خود و سازمان سفارش‌دهنده، برای تدوین اثر اقدام می‌کند (حسن‌آبادی، ۱۳۹۶: ۲۳-۲۲)؛ از همین رو، داده‌هایی که از مصاحبه در اختیار تدوین‌گر قرار می‌گیرد، برای ارائه به بررسی دقیق نیاز دارند. در واقع، بخشی از کار تدوین، در گرو مراحل قبلی، یعنی طراحی پروژه و مصاحبه است. روشی هم که برای ارائه متن مصاحبه انتخاب می‌شود، تأثیری مستقیم بر تدوین آن دارد (حسن‌آبادی، ۱۳۹۶: ۱۳). به دلیل همین پیوستگی، لازم است ارتباط مناسبی میان افراد و بخش‌های مختلف پروژه برقرار شود؛ به‌ویژه اگر تدوین‌گر خود در فرآیند مصاحبه و طراحی سؤال، نقش موثری نداشته باشد، کار دشوارتر می‌شود. منظور، زمانی است که مصاحبه‌گر و تدوین‌گر یک نفر نباشند. در این صورت، آسیب‌هایی نیز از سوی برخی محققان تاریخ شفاهی عنوان شده است. ممکن است تدوین‌گر، مطالب را به گونه‌ای تنظیم می‌کند که اسناد، پاورقی‌ها و ملحقات، شکل و سامان دیگری می‌یابد و با نگاه اولیه راوی و مصاحبه‌گر متفاوت است. گاهی مصاحبه، شخص محور تنظیم می‌شود؛ ولی تدوین‌گر آن را موضوع محور طراحی می‌کند. در مواردی هم توالی تاریخی رعایت نمی‌شود (قزوینی، ۱۳۹۸: ۱۲۷).

برخی معتقدند پاره‌ای از مؤسسات تاریخ شفاهی، نقش درخور توجهی به تدوین‌گر اعطا نمی‌کنند. این درحالی است که تدوین‌گر می‌تواند حتی در نقش نظریه‌پرداز تاریخ نیز ظاهر شود (حسن‌آبادی، ۱۳۹۶: ۲۲). همچنین، عده‌ای معتقدند آنچنان که باید و شاید، نسبت به آموزش و تربیت تدوین‌گران مجرب، اهتمام ورزیده نشده است و غالباً تخصص آنان خاطره‌نگاری‌های فردی است، نه تدوین و نگارش تاریخ (صلاحی، ۱۳۹۸: ۱۴۴). اینجاست که اهمیت توانمندی‌های تدوین‌گر و به‌طور خاص، مهارت‌های نویسندگی مشخص‌تر می‌شود.

آموزش فن نویسندگی، تمرین، استعداد، ساده‌نویسی، شناخت مخاطب، هنر خوب دیدن، اهمیت زاویه دید، مهارت سوژه‌یابی برخی از مهم‌ترین عناصر و راهکارهای رسیدن به مهارت‌های نویسندگی هستند (قاسمی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۱۴-۳۱۱). به‌طور خلاصه، منظور از مهارت‌های نویسندگی

یک سازوکار می‌رسیم که فعالیتی فرآیندی و دامنه‌دار را به ذهن تداعی می‌کند؛ بنابراین، تدوین با واژه ساخت از این بابت همانندی دارد که به دو مؤلفه مواد اولیه و زنجیره‌ای از ساخت‌وساز دلالت می‌کند. در بستر ساخت‌وساز آن‌قدر که گزینش، چینش و ترکیب وجود دارد، به قدر نیاز، برش، حذف، جداسازی برای جابه‌جایی، اتصال و سرهم کردن داستان واقعه کاربرد دارد تا فرآیند تدریجی تدوین به شکل طبیعی تدویم بیابد و اثری نظم یافته پدید آید (روایت، بی‌تا).

در این تعریف، به دفعات به عبارات و واژگانی برمی‌خوریم که دست تدوین‌گر را برای پالایش و بازسازی داده‌های حاصل از مصاحبه باز می‌گذارد. تعبیر از تدوین به‌عنوان فرآیندی ساخت‌مانند، به معنای آن است که تدوین‌گر می‌تواند منابعی را که در اختیارش قرار می‌گیرد، همچون مصالح بنای یک ساختمان، استفاده کند. تدوین‌گر مجاز است با چینش دقیق کلمات و جملات، بنای محکم و متقن و نظام‌مندی را ارائه دهد. در این تعریف، از کلماتی مانند «گزینش، چینش، ترکیب، برش، حذف، جداسازی، اتصال و سرهم کردن» استفاده شده است. واضح است که انجام این فرآیندها در تدوین، به معنی این است که تدوین‌گر می‌تواند در متن اصلی مصاحبه دست ببرد. او مجاز است با منظم کردن آن، متن ثانویه‌ای ایجاد کند؛ اما کار تدوین‌گر همین‌جا متوقف نمی‌شود. به کار بردن مهارت‌های نویسندگی در تدوین، امری فراتر از ویراستاری و صرف منظم کردن متن است. داده‌های حاصل از مصاحبه گاهی دچار خلأها و نقاط کوری است که بدون روشن شدن آن، متن برای خواننده گنگ و نامفهوم خواهد بود. پاره‌ای از این ابهامات با استفاده از انجام مصاحبه‌های تکمیلی برطرف می‌شوند. در صورتی که تدوین‌گر و مصاحبه‌کننده یک نفر نیستند، لازم است در طرح سؤالات تکمیلی، میان این دو نفر هماهنگی برقرار باشد؛ زیرا تدوین‌گر در جریان نگارش متن، برخی ابهامات و کاستی‌های اطلاعاتی را شناسایی می‌کند. ممکن است این ابهامات، از دید مصاحبه‌کننده مغفول مانده باشد. انجام مصاحبه تکمیلی به گویاسازی منابع حاصل از مصاحبه اولیه، کمک می‌کند.

اما گاه راوی، برخی جزئیات را به خاطر گذشت زمان به یاد نمی‌آورد. همچنین، ممکن است پاسخ‌دادن به بعضی

در این مقاله، توانایی و گیرایی قلم نویسنده است؛ به نحوی که بتواند داده‌ها و محتواهای حاصل از منابع تاریخ شفاهی را به‌نحو جذاب، فهم‌پذیر، خواندنی و ماندگار به رشته تحریر درآورد.

نقش مهارت‌های نویسندگی تدوین‌گر در گویاسازی منابع تاریخ شفاهی

گونه داستانی تاریخ شفاهی یکی از شیوه‌های معمول در این حوزه است؛ گونه‌ای که باوجود برخی انتقادات، طرفداران خاص خود را دارد. آنچه در این‌گونه کتاب‌های تاریخ شفاهی اهمیت دارد، مهارت‌های نویسندگی تدوین‌گر است تا بتواند به‌خوبی با استفاده از منابع حاصل از مصاحبه، متن مدون و پذیرفتنی ارائه دهد. در این قسمت با استفاده از تجربه سایر تدوین‌گران و نیز تجربه شخصی اینجانب در نگارش متون تاریخ شفاهی، از جمله کتاب پاتک علیه پیتوک؛ روایت داستانی زندگی شهید مدافع حرم، سید هادی سلطان‌زاده به این مسئله پرداخته شده است.

یکی از مشکلات تدوین‌گر در روند انجام پروژه، نقص منابع و داده‌ها است. در بسیاری از موارد، مصاحبه‌هایی که در اختیار تدوین‌گر قرار می‌گیرد، دچار خلأهای اطلاعاتی است؛ خلأهایی که اگر تکمیل نشوند، متن نهایی یکدست و یکپارچه نیست. تدوین‌گر باید با استفاده از مهارت‌های نویسندگی خود و نیز تحقیق و بررسی بیشتر، این خلأها را پر کند و به گویاسازی منابع بپردازد. این درست همان نقطه‌ای است که مخالفان ورود ادبیات به تاریخ شفاهی، به آن نقد دارند. آنها معتقدند تدوین‌گر اجازه ندارد به‌جز همان متن پیاده شده مصاحبه، کلمه و جمله دیگری به متن اضافه کند. این عده که عمدتاً تاریخ‌نگاران و هواداران رعایت استناد تاریخی متن هستند، می‌گویند اضافه کردن کلماتی به‌جز آنچه مصاحبه‌شونده در جریان مصاحبه و پژوهش به زبان آورده است، متن را از حالت تاریخی خارج می‌کند.

در پاسخ به این نقد، بار دیگر، نگاهی به مفهوم و چیستی تدوین در مقاله «تدوین به‌مثابه ساخت در تاریخ شفاهی» خواهیم داشت.

با تعمق در واژه و مفهوم تدوین به دریافت معنایی دال بر

جزئیات مانند شکل بناها، زمان دقیق وقوع حادثه، ریز مکالمات افراد و ... برای راوی، ضروری به نظر نرسد. اصرار مصاحبه‌کننده در پرسیدن از این موارد جزئی نیز، مصاحبه‌شونده را خسته و عصبی می‌کند؛ زیرا هرچه فکر می‌کند، پاسخ این سؤالات را به یاد نمی‌آورد. همچنین، ذهنش مسائل مهم‌تری را هدف گرفته است که اصرار بر پرسیدن جزئیات، بی‌اهمیت بودن اصل ماجرا از نظر مصاحبه‌کننده را به ذهن او متبادر می‌کند. اینجاست که باز هم با خلأها و ابهاماتی روبه‌رو می‌شویم که پرنشاندن جای خالی آنها متن را از یکدستی خارج می‌کند. همچنین، فهم معنا را برای مخاطب عام - که اهمیت او را در ابتدای متن یادآور شدیم - دچار مشکل می‌کند. استفاده از مهارت‌های نویسندگی تدوین‌گر در اینجا راه‌گشا خواهد بود. تدوین‌گر می‌تواند با قلم توانای خود، به فضاسازی و توصیف جزئیات تا حد ممکن نزدیک به واقعیت بپردازد. در ادامه، به چند نمونه از این فضاسازی‌ها اشاره می‌شود.

در نقطه مقابل، به بررسی کتاب خانم مریی خاطرات شفاهی سعیده صدیق‌زاده پرداخته شد. در اینجا با اثری مواجه هستیم که اگر از قالب پرسش و پاسخ به شکل متن داستانی در می‌آمد، برای خواننده از جذابیت بیشتری برخوردار بود؛ برای مثال، در بخشی از متن آمده است:

«خود شما هم بعد از انقلاب، فعالیتی می‌کردید؟»

«بیشتر در مکتب نرجس فعالیت می‌کردم. مکتب بعد از انقلاب خیلی رونق پیدا کرده بود. جشن‌ها و مراسم‌های مفصل و گسترده‌تری برگزار می‌کرد. گروه‌های تئاتر و سرودش خیلی فعال بود. جمعیت بسیاری در برنامه‌ها شرکت می‌کردند؛ طوری که بعضی برنامه‌ها چند روز تکرار می‌شد تا همه بتوانند استفاده کنند».

شما چه کار می‌کردید؟

«من بیشتر برای آماده‌سازی سرودها کار می‌کردم. روی شعرها آهنگ می‌گذاشتم و گروهی را برای اجرایش آماده می‌کردم ...» (ذاکری، ۱۳۹۸: ۸۲).

ضمن احترام به تدوین‌گر □ و هدف ناشر، اگر متن به شکل داستانی بیان می‌شد، جذابیت و ماندگاری بیشتری برای اثر ایجاد می‌شد. این امر با توجه به موقعیت‌های جذاب و الگوپذیر بودن اهمیت می‌یابد. در این نمونه، اگر تدوین‌گر با استفاده از مهارت‌های نویسندگی مثل توصیف و فضاسازی، جشن‌ها، مقدمات ساخت سرودها، تمرین‌های گروه‌های سرود و ... را برای خواننده توصیف می‌کرد، مخاطب، ارتباط بهتری با متن برقرار می‌کرد؛ البته این مسئله به معنای این نیست که تدوین‌گر وارد فضای کاملاً تخیلی شود یا وقایع و حوادث غیرواقعی را به متن اضافه کند. تدوین‌گر باید متعهد باشد تا حد امکان از منابع و داده‌های موجود استفاده کند؛ آنگونه که خانم برادران در تدوین کتاب ر زندگینامه شهید رسول حیدری عمل کرده است. این تدوین‌گر در مقدمه کتاب

در مقاله‌ای که به بررسی کتاب دختر شینا پرداخته شده، آمده است: خاطره‌نگار، زیرکانه در لابه‌لای مطالب، گریزی به دفاع مقدس می‌زند. در صد و دوازدهمین صفحه است که وارد فضای جنگ می‌شویم؛ یعنی تقریباً نیمی از تاریخ شفاهی، آماده‌سازی فضا به دور از شتابزدگی برای پرداختن به مسئله دفاع مقدس است تا خاطرات برای مخاطب عینیت پیدا کند؛ در نتیجه، در نیمه اول کتاب، مخاطب به‌خوبی با شخصیت‌های محوری خاطره، روحیات، احساس‌ها و نگرش‌های آنها آشنا می‌شود. همچنین، از فصل یازدهم که روایت جنگ آغاز می‌شود، تعداد صفحات فصل‌ها افزایش می‌یابد تا بتواند انعکاس صحیحی از فضای دفاع مقدس ارائه کند (فراهانی و ابراهیمی هژیر، ۱۳۹۷: ۳۵۲). نویسنده مقاله نامبرده معتقد است فضاسازی‌های دقیق و توصیفات جان‌داری در فصول ابتدایی کتاب از دوران کودکی و نوجوانی شخصیت اصلی شده است. این موارد سبب هم‌ذات‌پنداری خواننده با سوژه کتاب شده است؛ در نتیجه، وقتی خواننده به بخش اصلی کتاب، یعنی وقایع مربوط به زمان دفاع مقدس می‌رسد، ارتباط بهتری با محتوای کتاب برقرار می‌کند. به عبارتی، حادثه‌ها برایش ماندنی‌تر می‌شوند. در این کتاب، تدوین‌گر با استفاده

یادداشت خود در سایت تاریخ شفاهی ایران، استفاده از عکس را ابزاری برای گویاسازی می‌داند: در کنار گویاسازی متن خاطرات شفاهی توسط تدوین‌گر، ضروری به نظر می‌رسد که تدوین‌کننده برای بهتر کردن و گویاتر کردن متن خاطرات شفاهی، از عکس نیز استفاده کند. تجربه تدوین‌گران موفق نشان داده که اگر با اصرار تدوین‌گر، عکس به‌طور زیرکانه و به‌جا در خاطرات شفاهی، جانمایی و استفاده شود، کار نهایی بهتر و جذاب‌تر خواهد بود (تاریخ شفاهی، ۱۳۹۰/۱۱/۱۳).

نکته سوم دربارهٔ دغدغه تاریخ‌نگاران برای حفظ اسناد متن است. چنانکه می‌بینید تدوین‌گر اشاره کرده است تا حد امکان از اسناد موجود استفاده کرده و حتی عین آنها را در متن آورده است؛ در نتیجه، بهتر است تاریخ‌نگاران و مؤسسات تاریخ شفاهی دفاع مقدس به تدوین‌گرانی اعتماد کنند که قصد ارائه اثر خود در قالب داستانی دارند. نباید تصور شود این سبک از تاریخ شفاهی، اسناد تاریخی را قطعاً زیر سؤال می‌برد. وارد شدن داستان به تاریخ شفاهی، به‌ناچار مساوی با ورود تخیل به متن نیست.

مسئله دیگر عبارتی است که تدوین‌گر در مقدمه به آن اشاره کرده است؛ یعنی «تجسم و تصور». تدوین‌گر اشاره کرده است: «با بیان ویژگی‌های افراد سعی کرده‌ام امکان تجسم و تصور شرایط را همان قدری که خودم دریافت کرده‌ام، برای مخاطب فراهم کنم» (برادران، ۱۳۹۴: ۱۴). تدوین‌گر می‌تواند پس از شنیدن یا خواندن مصاحبه یا دیدن عکس، تصویری از رخداد در ذهن خود ببیند. سپس با کلمات مناسب، آن را برای خواننده تصویر کند. این امر کمک می‌کند حتی در موردی که جزئیات واقعه از سوی مصاحبه‌شونده ذکر نشده است، تدوین‌گر بتواند آن را برای خواننده مجسم کند. در تجربه شخصی در مواجهه با مصاحبه‌ها نیز این مورد وجود داشت؛ برای مثال، در یک خاطره به‌صورت کلی ذکر شده بود که یکی از دوستان شهید سید هادی سلطان‌زاده، در یک شب برفی در چاله‌ای عمیق در فلان خیابان گرفتار شد. پس از برقراری تماس تلفنی با شهید، او به کمکش می‌آید که این بخش از مصاحبه، توصیف و گویاسازی شده است (ر.ک: علوی‌راد، ۱۴۰۰: ۱۳۷). در این متن، جزئیاتی ترسیم شده است که در اصل خاطره وجود

می‌نویسد: «به دلیل شرایط خاص شغلی رسول و دوستانش، سعی کرده‌ام حفظ امانت و حرمت کنم. مهم‌تر، ترسیم رابطه‌های زیبا و هم‌افزایی است که این جمع آفریده‌اند؛ البته با بیان ویژگی‌های افراد سعی کرده‌ام امکان تجسم و تصور شرایط را همان قدری که خودم دریافت کرده‌ام، برای مخاطب فراهم کنم. همچنین، با عکس‌هایی که به کمک مشتاقانه مهدی حیدری تهیه شدند و خاطراتی که با همیاری شاهدان هر عکس تدوین شد، سعی کرده‌ام علاوه بر افزایش اعتبار متن مستند، فاصله خواننده با واقعیت را کوتاه کنم. در سراسر کار و در حد امکان در هر جا که متن مستقیم خوبی داشته‌ام، به نقل قول مستقیم متوسل شده‌ام تا خواننده روایت را از زبان گوینده بخواند و لذت بی‌واسطه شنیدن را از دست ندهد. استفاده از متن نامه‌های رسول نیز خودش فرصت درک بهتری از روحیات و خلقیات او را برای مخاطب فراهم می‌کند که در گوشه‌گوشه کتاب از آن استفاده کرده‌ام. در آوردن بخش‌هایی از نامه‌ها سعی کرده‌ام همان چیزی که در نامه هست را درج نمایم و به عمد از نظر نگارشی یا سجاوندی در آن دخل و تصرفی نکنم» (برادران، ۱۳۹۴: ۱۵-۱۴).

در این مقدمه چند نکته درخور توجه است؛ نخست اینکه گاهی سوژه و مصاحبه‌شونده، موقعیتی دارد که امکان دسترسی به همه اسناد مربوطه وجود ندارد. در چنین مواردی تدوین‌گر با محدودیت‌هایی مواجه است. او ناچار است با استفاده از مهارت‌های نویسندگی خود ابهامات را برطرف کند. راه دیگر این است که به‌نحوی متن را به رشته تحریر درآورد که کمترین خلل به فهم محتوا وارد شود. منظور اضافه‌کردن مواردی از تخیل نیست، بلکه مقصود این است که تدوین‌گر به‌نحوی سراغ مطلب بعد برود که خواننده، کمتر جای خالی اطلاعات را حس کند. نکته دیگر امکان استفاده از عکس، به‌عنوان یکی از منابع مهم تاریخ شفاهی در تدوین متن است. عکس‌ها به فضاسازی مکان‌ها، توصیف چهره افراد و حالات روحی آنها، فهمیدن زمان تقریبی اتفاقات (روز یا شب، فصل سرد سال یا گرم از روی لباس افراد) و مواردی از این دست کمک می‌کنند. تدوین‌گر می‌تواند با استفاده از این منبع شایان توجه، به غنای متن بیفزاید. او با توصیف دقیق آنچه در عکس می‌بیند، می‌تواند به گویاسازی آن بپردازد. یاحسینی نیز در

ورود عنصر تخیل است؛ اما در این مقاله فرضیه‌ای بررسی شد که نشان می‌دهد استفاده از مهارت‌های نویسندگی (در معنای جذابیت قلم)، می‌تواند در مواردی که منابع حاصل از مصاحبه به هر دلیلی مبهم‌اند، آنها را تاحدی گویاسازی کند. توصیف جزئیات، تجسم و تصویر محیط و شرایط و تبدیل کردن محتوای عکس‌ها به متن، از جمله کاربرد مهارت‌های نویسندگی برای گویاسازی متون هستند. همان‌طور که گفته شد گویاسازی در این مقاله، معنایی فراتر از صرف توضیح اسامی و اماکن به صورت پاورقی یا پیوست دارد. اعتماد کردن به تدوین‌گران دارای مهارت‌های نویسندگی و نیز تعهد تدوین‌گر برای پای‌بندی به منابع و وارد نکردن وقایع و اشخاص تخیلی به داستان، سبب ایجاد متن‌های مخاطب‌پسند در حوزه تاریخ شفاهی می‌شود.

منابع

الف. کتاب‌ها

- برادران، مریم (۱۳۹۸)، ر؛ رسول حیدری، مجید منتظری، تهران: آرما.
- توکلی، فائزه (۱۳۹۶)، تاریخ شفاهی، مبانی نظری، روش‌شناسی، تهران: سوره مهر.
- ذاکری، مرضیه (۱۳۹۸)، خانم مربی؛ خاطرات شفاهی سعیده صدیق‌زاده، تهران: راه یار.
- علوی‌راد، زهره (۱۴۰۰)، پاتک علیه پیتوک؛ روایت مردانگی‌های شهید سید هادی سلطان‌زاده، تحقیق: امید اسحاقی و معصومه بائی، تهران: راه یار.

ب. مقالات

- جون هانر و همکاران (۱۳۸۵)، «شیوه‌نامه تاریخ شفاهی»، ترجمه شفیقه نیک‌نفس، فصلنامه گنجینه اسناد، شماره ۶۴، صص ۱۷۲-۱۸۶.
- حسن‌آبادی، ابوالفضل (۱۳۹۶)، «درآمدی بر روش‌شناسی تدوین در تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی ایران»، تاریخ‌نامه انقلاب، دوره ۱، شماره پیاپی ۱، صص ۹-۲۸.
- صالحی حاجی‌آبادی، ابراهیم (۱۳۹۸)، «اصول و قواعد پژوهش در تاریخ شفاهی دفاع مقدس (مطالعه موردی تاریخ

نداشت؛ جزئیاتی مانند سردی هوا، گلی شدن، نحوه بیرون آمدن از کانال و ...؛ اما همه اینها رخدادها و شرایطی است که به‌طور طبیعی برای فردی اتفاق می‌افتد که در یک شب برفی داخل یک کانال عمیق می‌افتد و سپس با همان لباس گلی، روی موتور می‌نشیند. این جزئیات، سندیت متن را زیر سؤال نمی‌برد؛ بلکه به خواننده کمک می‌کند تا حادثه مدنظر را بهتر درک کند.

یکی دیگر از مواردی که به گویاسازی منابع تاریخ شفاهی دفاع مقدس کمک می‌کند، کنار هم قرار دادن اطلاعات حاصل از مصاحبه‌ها و اسناد است. تدوین‌گر باید نقاط ابهامی را شناسایی کند که باعث سردرگمی خواننده و مختل شدن انسجام طرح داستان می‌شود. سپس با استفاده از منابع موجود به تکمیل آنها پردازد؛ برای مثال، در گفتگو با آقای اصغر کاظمی در رابطه با چگونگی نگارش تاریخ شفاهی و به‌طور خاص تدوین کتاب بمو می‌خوانیم: در دفترچه کوچک جیبی، به‌صورت کاملاً مختصر و به‌اصطلاح تلگرافی نوشته شده بود؛ برای نمونه، نوشته شده بود «با علی رفتیم» نمی‌دانستیم کدام علی، ولی گویاسازی کردیم، چون دریافته بودیم که در فلان روز، فلان شخص که اسمش علی است، در کنار شهید بوده است. وقتی خاطرات این دوستان را کنار هم قرار دادیم، پازل تکمیل شد (کاظمی، ۱۳۸۶: ۶۶).

نتیجه

تلاش فعالان حوزه تاریخ شفاهی در راستای این است که تجربه‌های موفق و ناموفق گذشتگان را برای استفاده نسل حاضر و آینده در اختیار آنان قرار دهد. این تلاش، زمانی مؤثرتر واقع می‌شود که متون تولیدشده برای استفاده عموم مردم به عنصر جذابیت و گیرایی مجهز شوند؛ یعنی علاوه بر جذابیت سوژه و موضوع مدنظر، باید به قالب متن نیز توجه شود. گونه داستانی تاریخ شفاهی از انواع قالب‌ها برای ارائه تاریخ شفاهی است. این قالب به دلیل بهره‌مندی از ویژگی‌های ادبی، از عنصر جذابیت نیز برخوردار است؛ هرچند این نوع از خروجی در حوزه تاریخ شفاهی، منتقدان بسیاری به‌ویژه در میان مورخان دارد. عمده انتقاد در این زمینه، متوجه وارد شدن خلل به استناد و سندیت متن از طریق

ج. سایت‌ها

- تاریخ شفاهی (۱۳۹۰/۱۱/۱۳)، قاسم یاحسینی، مقاله «شیوه‌های گویاسازی در تاریخ شفاهی».
- تاریخ شفاهی (۱۳۹۷/۲/۲۶)، اکرم دشتبان، مقاله «گویاسازی در کتاب‌های تاریخ شفاهی».
- ایبنا (۱۳۹۷/۳/۲۹)، «قاعده‌ای برای گویاسازی متن‌های تاریخ شفاهی وجود ندارد».
- تاریخ شفاهی (بی‌تا)، محمدصادق مراسلی، تدوین به‌مثابه ساخت در تاریخ شفاهی.

- صدر اسلام)، مجموعه مقالات تاریخ شفاهی دفاع مقدس، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس و دانشگاه امام حسین (ع)، صص ۱۲۰-۱۳۹.
- صلاحی، داود (۱۳۹۸)، «نحوه ارائه مطلوب تاریخ شفاهی»، مجموعه مقالات تاریخ شفاهی دفاع مقدس، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس و دانشگاه امام حسین (ع)، صص ۱۴۰-۱۵۰.
- طالبی، مریم، حاجی‌زاده، مریم، مشهدی، ساره (۱۳۹۷)، «راهکارهایی برای تدوین»، نشریه تاریخ شفاهی، سال هفتم شماره ۱ (پیاپی ۷)، صص ۲۶۴-۲۸۱.
- قاسمی‌فرد و همکاران (۱۳۹۶)، «بررسی اهمیت مهارت‌های نویسندگی برای دانش‌آموزان»، مطالعات ادبیات، عرفان و فلسفه، دوره سوم - شماره ۱، صص ۳۰۸ - ۳۲۰.
- قزوینی، حمید (۱۳۹۸)، «تدوین در تاریخ شفاهی چگونه و از کجا آغاز می‌شود؟»، مجموعه مقالات تاریخ شفاهی دفاع مقدس، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس و دانشگاه امام حسین (ع)، صص ۱۷۷-۱۸۹.
- کاظمی، اصغر (۱۳۸۶)، «گویاسازی اسناد تاریخ شفاهی جنگ»، فصلنامه سوره، شماره ۳۶، صص ۶۰-۶۹.
- کاظمی، محسن و خسروبیگی، هوشنگ (۱۳۹۵)، «تاریخ شفاهی»، دوفصلنامه پژوهش‌های تاریخ شفاهی، دوره ۳، شماره ۱، صص ۸-۲۳.
- کمرهای، علیرضا (۱۳۹۵)، «نیم‌نگاهی بر مبانی تدوین»، دوفصلنامه تاریخ شفاهی، دوره ۳ شماره ۱، صص ۵-۷.
- نورائی، مرتضی، لقمان دهقان‌نیری، مهدی ابوالحسنی ترقی، (۱۳۸۹)، «مقایسه تحلیلی سنت شفاهی با تاریخ شفاهی»، مجله پژوهش‌های تاریخی، دوره جدید، سال دوم، شماره چهارم (پیاپی ۸)، صص ۳۵-۵۲.
- نورائی‌نژاد، فاطمه (۱۳۹۶)، «توصیف منابع تاریخ شفاهی»، دوفصلنامه تاریخ شفاهی، سال سوم، شماره اول، شماره پیاپی ۵، صص ۱۰۶-۱۴۱.
- واشقانی فراهانی، ابراهیم و ابراهیمی هژیر، معصومه (۱۳۹۷)، «واکاوی تاریخ شفاهی دفاع مقدس در مجموعه خاطرات دختر شینا»، نشریه ادبیات پایداری، سال دهم، شماره ۱۸، صص ۳۴۷-۳۷۲.